

کافه خاطره
روزنامه صبا؛ گفت‌وگو
با پیمان جعفری مدیر
تولید و تهیه‌کننده سینما و
تلویزیون

در سینما، استگویی تنها تکنیک مدیر تولید است

بازیگران هرچه بگویم قبول می‌کنند



احمد محمد اسماعیلی
گفت‌وگو

پاک‌دست، متین، موقر، صبور، کاربلد و کارراه‌انداز؛ این‌ها تنها بخشی از ویژگی‌هایی است که همکاران و اهالی سینما و تلویزیون برای توصیف پیمان جعفری، مدیر تولید و تهیه‌کننده با سابقه، به کار می‌برند. او از جمله چهره‌هایی است که اگرچه کمتر در معرض دید رسانه‌ها قرار می‌گیرد، اما ردپای حضور مؤثرش را می‌توان در پشت صحنه بسیاری از رویدادها، پروژه‌ها و جشنواره‌های مهم سینمایی و تلویزیونی مشاهده کرد؛ حضوری آرام، بی‌حاشیه و در عین حال تعیین‌کننده. جعفری در طول سال‌ها فعالیت حرفه‌ای خود با برخی از مهم‌ترین فیلمسازان و هنرمندان ایران از جمله ابراهیم حاتمی‌کیا، داود میر باقری، رسول ملاقلی‌پور، اصغر فرهادی و بسیاری دیگر همکاری داشته و تجربه‌های ارزشمندی را در عرصه تولید آثار سینمایی و تلویزیونی اندوخته است. به بهانه مرور این مسیر پرفراز و نشیب و شنیدن ناگفته‌هایی از پشت صحنه تولید آثار ماندگار، با پیمان جعفری به گفت‌وگو نشستیم تا از تجربه‌های حرفه‌ای، خاطرات همکاری با بزرگان سینما و تلویزیون و نگاهش به وضعیت امروز این حوزه بگویید.

○ اجازه بدهید گفت‌وگورا از دهه شصت و روزهای حضورتان در مرکز آموزش فیلمسازی باغ فردوس آغاز کنیم؛ دوره‌ای که بسیاری از فیلمسازان و چهره‌های تأثیرگذار سینمای ایران، از جمله کمال تبریزی، در آن حضور داشتند. از فضای آن سال‌ها، تجربه‌های آموزشی و تأثیری که آن دوره بر شکل‌گیری مسیر حرفه‌ای شما گذاشت، برایمان بگویید. کمال تبریزی متعلق به دوره قبل از ما بود. من ورودی دوره چهارم مرکز آموزش فیلمسازی باغ فردوس بودم. در آن دوره ۲۵ نفر حضور داشتند؛ افرادی که بعدها هر کدام در حوزه‌های مختلف سینما و رسانه مسیرهای مهمی را طی کردند و از جمله آن‌ها می‌توان به علی معلم اشاره کرد. دوره آموزشی بسیار فشرده بود. ما طی دو سال، ۱۷۶ واحد درسی را گذراندیم و تقریباً شبانه‌روز در مرکز حضور داشتیم؛ هم آموزش‌های تئوری می‌دیدیم هم درگیر کارهای عملی بودیم. رشته‌های مختلفی مانند عکاسی، فیلمبرداری، کارگردانی و سایر شاخه‌های سینما توسط استادان برجسته‌ای از جمله استاد شریفی تدریس می‌شد و فضای آموزشی بسیار جدی و حرفه‌ای بود.

البته همه دانشجویان نتوانستند تا پایان مسیر ادامه دهند. از آن جمع ۲۵ نفره، در نهایت تنها ۹ نفر موفق شدند دوره را به پایان برسانند. برای پروژه پایان‌نامه قرار بود هر گروه چند فیلم نیم‌ساعته



تولید کند، اما آقای سیف‌الله داد که مدیریت مرکز باغ فردوس را بر عهده داشت، با پیشنهاد ما موافقت کرد که به جای ساخت سه فیلم نیمه‌بلند، یک فیلم سینمایی کامل تولید شود.

حاصل آن تصمیم، ساخت فیلم «شهری چون بهشت» بود؛ فیلمی که برای من اهمیت ویژه‌ای دارد، چون نخستین تجربه‌ام در مقام مدیر تولید به شمار می‌رفت. این فیلم با بودجه‌ای حدود ۳۰ میلیون تومان ساخته شد که برای آن دوران رقم قابل توجهی بود و تجربه‌ای ارزشمند و تعیین‌کننده در آغاز مسیر حرفه‌ای من محسوب می‌شد.

○ مدیر تولیدی کار سختی است و تهیه‌کننده برای قراردادهای مدیر تولید را جلوی عوامل قرار می‌دهد و مدیر تولید یک جور بدمن ماجرا می‌شود...

بدمن که نه، اما به هر حال بخش مهمی از مذاکرات مالی و چانه‌زنی‌های قراردادی با عوامل پروژه بر عهده مدیر تولید است و گاهی همین موضوع باعث می‌شود تصور کنند مدیر تولید آدم سختگیری است. در حالی که مدیر تولید باید میان خواسته‌های عوامل و محدودیت‌های بودجه تعادل برقرار کند تا پروژه به سرانجام برسد.

با این حال، یکی از جذاب‌ترین ویژگی‌های این شغل برای من، آشنایی و دوستی با آدم‌های فراوان است. در طول سال‌ها فعالیت، با افراد زیادی از طیف‌های مختلف همکاری کرده‌ام و بسیاری از این همکاری‌ها به دوستی‌های ماندگار تبدیل شده‌اند. شاید همین ارتباطات انسانی و رفاقت‌هایی که در مسیر کار شکل می‌گیرد، از ارزشمندترین دستاوردهای حرفه‌ای مدیر تولید باشد.

○ ورود شما به پروژه «دادستان» چگونه رقم خورد و چه شد که به گروه سازندگان این فیلم پیوستید؟ حسین شریفی شما را معرفی کرد؟

نه، آقای بزرگمهر رفیعا از اساتید ما بود. در ابتدا قرار شد نقش یک آمریکایی را در فیلم «دادستان» بازی کنم، اما بعد از مدتی از من خواست که هر روز در صحنه فیلمبرداری حضور داشته باشم.

در اواسط فیلمبرداری، مدیر تولید، برنامه‌ریز و دستیاران کارگردان، به جز یک نفر، کار را ترک کردند. آقای رفیعا از من خواست به عنوان دستیار دوم کارگردان با گروه همکاری کنم. بعد از آن، مسئولیت برنامه‌ریزی هم به عهده من گذاشته شد.

○ بازیگری چه جایگاهی در سال‌های آغازین فعالیت هنری شما داشت و چطور وارد این عرصه شدید؟

سال ۶۸ در دانشگاه تهران رشته نمایش می‌خواندم و هم‌زمان فیلم کوتاه می‌ساختم. همان سال نیز در نخستین نمایش حسن فتحی با عنوان «هی ماتادور» به ایفای نقش پرداختم.

○ با توجه به تجربه‌هایی که در بازیگری داشتید و پیشنهادهایی که دریافت می‌کردید، هیچ‌وقت به این فکر نکردید که این مسیر را به شکل جدی‌تری ادامه دهید؟

پیشنهادهای زیادی برای بازیگری داشتیم. برای مثال، برای ایفای نقش مرد فضایی در فیلم «من زمین را دوست دارم» گزینه اصلی بودم، اما آن پیشنهاد را نپذیرفتم و در نهایت علیرضا خمسه آن

نقش را بازی کرد. بعد از بازی در نمایش «هی ماتادور» به کارگردانی حسن فتحی، اتفاقاتی برایم رخ داد که باعث شد دور بازیگری را خط بکشم.

○ چه اتفاقی باعث شد تصمیم بگیرید بازیگری را ادامه ندهید؟

خانواده‌ای مذهبی داشتم و بعد از بازی در آن نمایش تا حدی شناخته شدم. مدام تلفن خانه زنگ می‌خورد و افراد مختلف می‌خواستند با من صحبت کنند. به همین دلیل ترجیح دادم از فضای شهرت و بازیگری فاصله بگیرم. در آن سال‌ها نیز در سینما نگاه خاصی به مدیران تولید وجود داشت. بعضی‌ها تصور می‌کردند مدیر تولید نقش ناظر یا گزارش‌دهنده را دارد و به همین دلیل عوامل معمولاً حساب ویژه‌ای روی او باز می‌کردند.

در همان دوره علاقه زیادی به کتاب‌خوانی پیدا کردم و بخش قابل توجهی از وقتم صرف مطالعه می‌شد.

○ در دوران دانشگاه با چه کسانی هم‌دوره بودید؟

در دانشگاه با افرادی مثل حمید فرخ‌نژاد، رضا عطاران، اصغر فرهادی و بسیاری دیگر هم‌دوره بودم. دوره تحصیل من هم حدود هفت سال طول کشید.

○ یکی از تجربه‌های مهم شما در حوزه تولید، همکاری در فیلم «از کرخه تا راین» است. این همکاری چگونه شکل گرفت؟

مرحوم سیف‌الله داد از من برای همکاری در این پروژه دعوت کرد. ابتدا در بخش عکاسی در آلمان حضور داشتم، اما پس از مدتی که عوامل آلمانی پروژه را ترک کردند، مسئولیت کارهای تولید نیز به من سپرده شد و عملاً در ادامه، بخش مهمی از امور تولید را بر عهده گرفتم.

○ شرایط کار در آلمان برای فیلم «از کرخه تا راین» چگونه بود؟

حدود ۵۸ روز در آلمان بودیم و نزدیک به یک ماه و نیم درگیر این موضوع بودیم که چگونه تجهیزات فیلمبرداری را به آلمان منتقل کنیم و برای این کار راه‌حلی پیدا کردیم تا وسایل را ببریم. طبیعتاً هزینه‌ها در آلمان بسیار بالا بود و همین مسئله کار را دشوارتر می‌کرد.

در مجموع، تجربه مهمی برای من بود و در این پروژه از آقای سیف‌الله داد بسیار آموختم.

○ با توجه به روحیه تند ابراهیم حاتمی‌کیا، در جریان فیلمبرداری در آلمان با عوامل خارجی چالشی هم پیش آمد؟

نه، اتفاقاً حاتمی‌کیا صبر و آرامش خوبی داشتند و مشکلی پیش نیامد. تند مزاجی او هیچ‌وقت جنبه شخصی نداشت؛ ایشان کاملاً به کار و فیلمش متعهد است و حساسیتش از دغدغه برای بهتر پیش رفتن پروژه می‌آید. گروه شب‌ها در محل بنیاد جانبازان - که برای اقامت جانبازان تدارک دیده شده بود - مستقر می‌شدند. من هم برای کاهش هزینه‌ها به بازار مرکزی شهر کلن می‌رفتم و مایحتاج آشپز گروه را تهیه می‌کردم.

○ در فیلم «بازمانده» هم دوباره با سیف‌الله داد همکاری داشتید؟

بله. در فیلم «بازمانده» من مسئول امور مالی پروژه بودم و در کنار مدیر تولید سوری فیلم فعالیت می‌کردم. فیلمبرداری این اثر در شهرهای دمشق و لاذقیه انجام شد.

○ انتخاب بازیگران فیلم «بازمانده» چگونه انجام شد و نقش سیف‌الله داد در این انتخاب‌ها چه بود؟

بازیگر اصلی فیلم از چهره‌های شناخته‌شده زن در جهان عرب بود. روز اول فیلمبرداری، آقای منوچهر محمدی از این

صبح

مدیر تولید باید میان خواسته‌های عوامل و محدودیت‌های واقعی بودجه تعادل برقرار کند؛ اگر این تعادل به هم بخورد، نه پروژه به نتیجه می‌رسد و نه اعتماد در گروه باقی می‌ماند، بنابراین همه چیز به مدیریت صادقانه و دقیق برمی‌گردد.